

شود، حتی اگر بداند که ممکن است آثار نامطلوبی را بر جامعه بگذارد، آن پروژه اجرایی می‌شود. در این شرایط مردم چگونه می‌توانند مشارکت داشته باشند؟

قبل از مشارکت، مسئله دیگری وجود دارد. اگر قبل از اجرای پیوست فرهنگی فرهنگ‌سازی به شکل کامل صورت نگیرد، مطالبه عمومی ایجاد نمی‌شود. این مسئله باید در سطح رسانه‌های عمومی مطرح شود تا مردم آگاه شوند و مسئولان و کارگزاران به ضرورت و لزوم این امر برسند. وقتی مقام معظم رهبری مطالبی را برای جامعه مطرح می‌کنند، باید حوزه، دانشگاه، صدا و سیما، نظام اجرایی و نظام قانون‌گذاری به میدان بیایند و اگر این الزام، نیاز و ضرورت در سطوح مختلف احساس نشود، قطعاً شاهد از هم گسیختگی و تضاد منافع میان مردم و مسئولان خواهیم بود و مسلماً پیوست فرهنگی با شکست مواجه خواهد شد. اما اگر این زیرساخت‌ها فراهم شوند و توجه کافی نسبت به موضوع ایجاد شود، مسلماً شاهد مشارکتی همه‌جانبه خواهیم بود. اگر بخواهیم مردم را وارد این عرصه نکنیم، مردمی که ذی‌نفعان اصلی آن‌ها هستند، و آن‌چه از جانب حاکمیت برای مردم طراحی و تهیه می‌شود بر اساس نیازهای دینی مردم نباشد، مسلماً مردم خسته می‌شوند و دیگر به این قضیه جواب مثبت نمی‌دهند. امروز شاهد این موضوع هستیم که مردم تقاضای فراوانی برای دینی شدن مسائل دارند، اما از طرف مسئولین پاسخ‌گویی وجود ندارد. البته این طور نیست که دولت مردان نخواهند این کار را بکنند؛ آن‌ها خیلی دوست دارند وارد این عرصه‌ها بشوند، اما ابزارهایی که در اختیار دارند این شرایط را برایشان ایجاد نمی‌کند. فراهم کردن زیرساخت‌ها و وظیفه حوزه و دانشگاه است.

ما دانشمندان و اندیشمندان مختلفی داریم که دست به تولید علم و فناوری می‌زنند و کشور را از وابستگی درمی‌آورند. حالا اگر مردم به‌خوبی بدانند که بدترین وابستگی، وابستگی فرهنگی است و این را به‌خوبی لمس کنند، قطعاً بیشترین حفاظت و مراقبت را در مسئله توسعه فرهنگی خواهند داشت.

#### شورای این فرهنگ‌سازی در میان مردم چه فکری کرده است؟

شورا در حال تصویب نظام‌نامه است و تا چند وقت دیگر این کار انجام خواهد شد. از آن‌جا که شورای عالی انقلاب فرهنگی با انبوهی از سندها مواجه شده است، نقشه مهندسی فرهنگی، نقشه علمی، نقشه آموزش و پرورش، نقشه پیوست فرهنگی و... نمی‌توانم بگویم

که بر خورد فعالی از خود نشان داده است. به نظر من شورای عالی انقلاب فرهنگی این فرصت را پیدا نکرده است که در سطح فرهنگ عمومی کاری را انجام دهد.

#### آیا این را یک آسیب قبل از شروع نمی‌دانید؟

ما در خیلی از فعالیت‌ها مان تاخیر فرهنگی داشته‌ایم. از دستورات رهبری برای انقلاب فرهنگی، نقشه مهندسی فرهنگی و... سال‌های زیادی می‌گذرد، اما مشکل این جاست که ظرفیت نخبگانی جامعه برای پاسخ‌گویی ضعیف است.

#### در شورای عالی چقدر نخبگان را در تدوین نظام‌نامه پیوست فرهنگی دخیل دانستید؟

یک مسئله را خدمتتان عرض می‌کنم و آن اینکه در مورد پیوست فرهنگی خیلی از نخبگان در روزهای اول اصلاً موافق نبودند؛ یعنی خیلی از نخبگان دست‌اندر کار متوجه نبودند که رابطه پیوست فرهنگی و نقشه مهندسی فرهنگی چیست. خیلی‌ها به پیوست

این کارها در نقطه شروع مقداری پایین است.

#### آیا امروز میان نخبگان به یک فهم مشترک یا حداقل به یک اجماع نسبی رسیده‌اید؟

نمی‌توانم ادعا کنم که به یک اجماع نسبی دست پیدا کرده‌ایم، اما این را درک می‌کنم که از حدود ۳ یا ۴ سال قبل که شروع کرده‌ایم تا امروز وضع خیلی بهتر است. اما هنوز هم در نقطه رضایت بخشی قرار نداریم. نکته قابل توجه این جاست که بدنه عملیاتی و اجرایی جامعه بسیار تشنه است. میزبان در خواست‌ها و سازمان‌هایی که بنده برای بررسی به آن‌ها دعوت می‌شوم روز به روز در حال افزایش است؛ شرکت نفت، شرکت گاز، آموزش عالی، وزارت صنایع و حتی بنگاه‌های دولتی. این نشان می‌دهد که ظرفیت تفاهم و نیازمندی ایجاد شده است. اما نیاز به کار همه‌جانبه وجود دارد. رسانه‌ها و سازمان‌ها باید به‌طور دائم این را در دستور کار خود داشته باشند؛ رسانه‌هایی مثل صدا و سیما و مطبوعات، حوزه‌های

اگر قبل از اجرای پیوست فرهنگی فرهنگ‌سازی به شکل کامل صورت نگیرد، مطالبه عمومی ایجاد نمی‌شود. این مسئله باید در سطح رسانه‌های عمومی مطرح شود تا مردم آگاه شوند.

علمیه، نشست‌های علمی و کرسی‌های آزاداندیشی که مقام معظم رهبری بسیار بر آن تأکید دارند. وقتی این تربیون‌ها و این مجاری بسته هستند، به‌طور طبیعی نباید انتظار اجماع نخبگانی را داشته باشیم. اجماع نخبگانی نیاز به بستر دارد و این بستر سازی رو به رشد است.

فرهنگی نگاه پیش پا افتاده‌ای داشتند و می‌گفتند پیوست یک امر مقطعی و کوتاه‌مدت است که اگر نقشه مهندسی فرهنگی طراحی شود اصلاً احتیاجی به آن نیست. وقتی با کارشناسان مجلس و دستگاه‌ها صحبت می‌کردم، می‌دیدم که چقدر تفاسیر آن‌ها از پیوست فرهنگی متفاوت و گاه پیش پا افتاده است. بعضی‌ها پیوست فرهنگی را مختص فعالیت‌های اقتصادی می‌دانند، بعضی‌ها اصلاً پیوست فرهنگی را در مسئله فرهنگ دخیل نمی‌دانند و... می‌بینیم که این اختلاف در فهم، منجر به نبود تفاهم و وحدت رویه می‌شود. لذا کار در این حوزه بسیار دشوار است.

اگر این کار بخواهد جریان داشته باشد: ۱. نباید ناامید شد ۲. باید کار را به‌طور مداوم پی‌گیری کرد. مجله پارسانه شما قصد دارد امروز به این مسئله بپردازد،

در صورتی که پیوست فرهنگی را رهبری معظم خیلی وقت قبل‌تر مطرح کرده‌اند. تأخیر فرهنگی رسانه‌ها در برخورد با این قضیه، مانند همان تأخیری است که اندیشمندان ما داشته‌اند. این نشان می‌دهد که ظرفیت فرهنگی ما برای

#### آیا ما کارشناسان و نخبگانی جامع و آینده‌نگر، متناسب با پیوست فرهنگی داریم یا اینکه تربیت کرده‌ایم؟

جواب ساده این است که نه؛ چون در نظام آموزشی ما اصلاً سواد فرهنگی متناسب با تنظیم روابط اجتماعی وجود نداشته و ندارد. شما امروز شاهد این موضوع هستید که پس از گذشت ۳۰ سال از ابتدای انقلاب، هنوز ما در هضم برخی از مفاهیم فرهنگی در ابتدایی‌ترین مرحله به سر می‌بریم. امروز نظام آموزشی ما نیاز به بازنگری جدی دارد. با وجود این، دلسوزانی در عرصه‌های مختلف داریم که از مجاری تخصصی اطلاعات کسب نکرده‌اند اما تجربیات ۳۰ ساله دارند. این افراد، دلسوز و پا در رکاب مسئله فرهنگ بوده‌اند و در هر جایی که بودند، سعی داشته‌اند که دین را جاری کنند. تجربه این افراد کاملاً شخصی و جزئی است، اما پیوست فرهنگی یک بحث آینده‌نگری و کلی است!

انقلاب ما با همین تجربیات، در عین ضعف‌هایی که دارد، ۳۰ سال است که روی پای خود ایستاده است. مقام معظم رهبری فرمودند باید تجربیات انقلاب را نهادینه و قاعده‌مند کنیم و در اختیار سایر ملت‌ها قرار بدهیم. ما ۳۰ سال با آزمون و خطا پیش رفتیم، هزینه‌های زیادی را متحمل شدیم و ۸ سال جنگ در مقابل کفر جهانی را تحمل کردیم. اما هنوز این تجربیات را تئوریزه نکرده‌ایم.

اگر ما تجربیاتی را که در حوزه‌های مختلف دفاعی، امنیتی، صنعتی، عمرانی، علمی و... کسب کرده‌ایم به عنوان پشتوانه خود قرار دهیم، آن‌ها را تجمیع کنیم و مورد بحث و دقت علمی قرار بدهیم، خواهیم دید که راه دشوار پیوست فرهنگی به وسیله همین‌ها آسان می‌شود. ما خلأهای زیادی داریم، اما نباید احساس ضعف کنیم. ما باید

از این ظرفیت عظیم تجربی استفاده کنیم تا خیلی از کاستی‌هایی که قبلاً داشتیم را نداشته باشیم. این می‌شود پیامدشناسی مثبت یا منفی پدیده‌ها.

